

بسم الله الرحمن الرحيم

مهربانی‌های امام زمان (عج)

ایجاد انگیزه [۱]

زمانی که سخن از محبت و عشق به میان می‌آید، اگر بخواهیم نگاه جامع به این بحث داشته باشیم، باید همه لوازم و چهارچوب‌های این مسئله مورد بررسی قرار گیرد. یکی از آن نکات که متأسفانه کمتر مورد توجه واقع می‌شود، آسیب‌شناسی بحث محبت است.

چند آسیب در بحث دوستی‌ها وجود دارد:

اول اینکه هر کجا سخن از عشق به میان آید؛ معمولاً ذهن‌ها روی جاهایی می‌رود که همه دنیایی و خیالی و گاهی توهمی است و کمتر به این فکر می‌کنیم برخی دیگر هم هستند که ما را دوست دارند و به ما مهربانی می‌کنند، ولی متأسفانه ما از آن‌ها غافلیم!

آسیب دوم اینکه تمایزی در بین دوستان واقعی و دوستان غیر واقعی قائل نمی‌شویم و به راحتی به هر دوستی دل می‌دهیم و اسیر دام عشق‌های آن‌چنانی می‌گردیم.

یکی از محبت‌هایی که نسبت به ما وجود دارد و بی‌توجه از کنار آن می‌گذریم، محبتی است که امام زمان (عج) نسبت به ما دارند. این دوستی سرچشمه بسیاری از نعمت‌هایی است که در اختیار داریم. از نعمت‌های مادی گرفته تا نعمت‌های معنوی؛ عمده داشته‌های ما از این مهر شکل گرفته و ادامه دارد.

و دریغ! و حسرت! که از مهر و عشق او به انسان‌ها و تلاش و فریادرسی حضرت مهدی (عج) به عاشقان و منتظرانِ خود، کمتر در ذهن داریم.

کمتر شنیده‌ایم که او الآن از ما دفع بلا می‌کند و همواره به یاد ماست و نیازهای ما را برآورده و برای غم‌های ما افسوس می‌خورد و دست به دعا برداشته و مدام نسبت به ما مهر می‌ورزد.

گفتم به کام وصلت خواهم رسید روزی گفتا که نیک بنگر شاید رسیده باشی

آری، چه سخت است مولای مهربانی را که رحمت واسع حق است و در دلش، عشق به انسان‌ها موج می‌زند، به چنین اتهام‌هایی بشناسیم و به همه محبت‌ها فکر کنیم، غیر از این محبت و دوستی!

متن و محتوا

آخرین امام، مظهر اسمای حسناى الهى و چکیده مهر و عطوفت اهل بیت (علیهم السلام) می باشد و کسی که تربیت شده خدای رحمان و دنباله رو معصومین (علیهم السلام) باشد، مظهر رحمت بی کران است. رحمت واسعه حق و رأفت کریمانه معصومین (علیهم السلام) در امام زمان (عج) موج می زند و همواره دوستدارانش را بهره مند می سازد. همان گونه که امام رضا (ع) فرموده است: «الْإِمَامُ الْأَنِيسُ الرَّفِيقُ وَالْوَالِدُ الشَّفِيقُ وَالْأَخُ الشَّقِيقُ»^[۲]؛ امام، پدری مهربان، همدمی شفیق و همراهی خیر خواه است.»

امام زمان (عج) نیز خود را این گونه معرفی می فرماید: «أَنَّ رَحْمَةَ رَبِّكُمْ وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَ أَنَا تِلْكَ الرَّحْمَةُ»^[۳]؛ همانا رحمت پروردگارتان همه چیز را فرا گرفته و من آن رحمت بی کران الهی هستم.»

در زیارت آل یاسین می خوانیم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الرَّحْمَةُ الْوَّاسِعَةُ؛ سلام بر تو ای رحمت فراگیر!»

آقای بهجت (ره) می گوید: «چقدر حضرت امام زمان (عج) مهربان است به کسانی که اسمش را می برند و صدایش می زنند و از او استغاثه می کنند؛ از پدر و مادر هم به آن ها مهربان تر است.»^[۴]

نمونه هایی از مهربانی امام زمان (عج)

مهربانی امام زمان (عج) به دوستداران و پیروانش در چنان اوجی است که محبت پدر و مادر جلوه ای کوچک از آن است. برخی از جلوه های مهر و محبت امام رحمت، حضرت ولی عصر (عج) عبارتند از:

۱. مراقبت و نظارت بر اعمال دوستان

امام زمان (ع) با اذن الهی، مراقب احوال شیعیان و دوستداران اهل بیت (علیهم السلام) است. آن حضرت همچون پدری که دغدغه تربیت و آینده فرزندان خود دارد، دوستدارانش را زیر ذره بین می گیرد و همواره مراقب آنان می باشد.

البته این نظارت و مراقبت بر اعمال شیعیان و دوستداران برای مچ گیری و پرده دردی از آنان و کشف اسرارشان نیست؛ بلکه برای این است که در حق آنان دعا کنند و از نیکی ها و حسنات آنان شادمان شود و به شوق آید و در مصیبت ها و گرفتاری ها فریادرس آنان شود و در برخورد با دشمنان یاریشان نماید و اگر گناهی مرتکب شوند، آنان را باز دارند و در مواردی هم به سوی توبه هدایت کند و خود نیز در پیشگاه الهی واسطه شوند تا از مجازات آن ها کم شده و زمینه ورود به بهشت و قرب الهی برای آنان فراهم گردد.

آن حضرت خود، در نامه‌ای برای شیعه واقعی خویش، شیخ مفید (ره) نوشته است: «اگر چه خدا صلاح ما و شیعیان مؤمن را در این دانسته که تا زمانی که حکومت دنیا با گناه کاران است، در جایی منزل کنیم که از شهرهای اهل ظلم و ستم دور باشد، لیکن ما از خبرهای شما آگاه هستیم و هیچ چیز از احوال شما بر ما پنهان نیست و انحرافات که بدان دچار شده‌اید را می‌دانیم» [۵]

در ادامه این نامه طولانی، می‌نویسد: «إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَ لَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ وَ اصْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ فَاتَّقُوا اللَّهَ جَلَّ جَلَّالَهُ؛ ما شما را رها نمی‌سازیم و یاد شما را از خاطر نمی‌بریم که اگر این چنین بود، بلاها بر شما نازل می‌شد و دشمنان، شما را نابود می‌کردند. پس از معصیت خدا پرهیز کنید و تقوا پیشه سازید.» امام صادق (ع) نیز در وصف خود بلکه ائمه (علیهم السلام) می‌فرماید: «وَ اللَّهُ لَأَنَا أَرْحَمُ بِكُمْ مِنْكُمْ بِأَنْفُسِكُمْ» [۶]؛ به خدا سوگند! که ما، نسبت به شما، از خود شما، مهربان‌تر و رحیم‌تریم.»

همچنین امام صادق (ع) درباره وجود مقدس امام زمان (عج) در میان دوستان می‌فرماید: «صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ يَتَرَدَّدُ بَيْنَهُمْ وَ يَمْشِي فِي أَسْوَاقِهِمْ وَ يَطَأُ فُرُشَهُمْ وَ لَا يَعْرِفُونَهُ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَهُ أَنْ يَعْرِفَهُمْ نَفْسَهُ كَمَا أَذِنَ لِيُوسُفَ حَتَّى قَالَ لَهُ إِخْوَتُهُ أَ إِنَّكَ لَأَنْتَ يُوسُفُ قَالَ أَنَا يُوسُفُ» [۷]؛ صاحب این امر، در میان آنان، راه می‌رود و در بازارهایشان رفت‌وآمد می‌کند، روی فرش‌هایشان گام برمی‌دارد و آنان او را نشناسند تا اینکه خداوند او را اجازه فرماید که خودش را معرفی کند همان‌گونه که خداوند یوسف را اجازه فرمود، در آن هنگام که برادرانش به او گفتند: «آیا حتماً تو خود، یوسف هستی؟ پاسخ داد: آری من یوسفم.»

حاشا که دلم از تو جدا خواهد شد

یا با کس دیگر آشنا خواهد شد

از مهر تو بگذرد که را دارد دوست!

وز کوی بگذرد، کجا خواهد شد! [۸]

ناگفته نماند این مراقبت و نظارت هشداری برای محبین و پیروان آنان است که آنی از توجه مولای خویش به خود، غافل نباشند و متوجه باشند فرمان‌برداری، شرط اساسی و نشانه خوبی بر صداقت عاشقی و دلدادگی به محبوب است. مرجع بزرگوار؛ حضرت آیت‌الله بهجت (ره)، ضمن توجه دادن همگان به حضور امام زمان (عج) و آگاهی آن حضرت به احوال شیعیانشان، می‌فرماید: «صدای شما، قبل از اینکه به گوش برسد، به گوش آن حضرت می‌رسد؛ چون فاصله شما با آن حضرت، از فاصله دهان تا گوش شما نزدیک‌تر است.» [۹]

۲. همدلی و همراهی در غم‌ها و شادی‌ها محبان

روزی فردی به حضور امیرمؤمنان علی (ع) رسید و حضرت، در صورت او، زردی مشاهده کرد. حضرت با حسرت پرسیدند: این زردی چیست؟ عرض کرد: بیمار و دردمند هستم. حضرت فرمودند: «إِنَّا لَنَفْرَحُ لِفَرَحِكُمْ وَ نَحْزَنُ

لِحُرْزَنُكُمْ وَ نَمْرَضُ لِمَرْضِكُمْ^[۱۰]؛ ما در شادمانی شما، شاد و برای اندوه شما، اندوهگین می شویم و از مریضی شما مریض می گردیم»

امام رضا (ع) نیز می فرماید: «مَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ شِيعَتِنَا يَمْرَضُ إِلَّا مَرَضْنَا لِمَرْضِيهِ وَلَا اغْتَمَّ إِلَّا اغْتَمَمْنَا لِغَمِّهِ وَلَا يَفْرَحُ إِلَّا فَرِحْنَا لِفَرَحِهِ^[۱۱]؛ هیچ یک از شیعیان ما، غم زده نمی شود، مگر اینکه ما نیز در غم آنان، غمگین و از شادی آنان، شادمانیم و هیچ یک از آنان، در مشرق و مغرب زمین، از نظر ما، دور نیستند و هر یک از شیعیان ما که بدهی از او بماند (و نتوانسته باشد پردازد) بر عهده ما است.»

امام زمان (عج) یکی از ائمه ای است که این چنین امیرالمؤمنین علی (ع) و امام صادق (ع) و امام رضا (ع) از حالشان خبر داده اند.

چه خوش باشد که دلدارم تو باشی انیس و مونس و یارم تو باشی

دل پر درد را مرهم تو سازی شفای جان بیمارم تو باشی^[۱۲]

حتماً شنیده اید که به کسی که ناامید و درمانده می شود، پیشنهاد می کنند تا به امام زمان متوسل شود؛ زیرا ایشان دست رد به سینه هیچ درمانده ای نمی زند. در طول هشت سال دفاع مقدس و حتی بعد از آن، بارها و بارها حضرت ولی عصر (عج) در هنگام درماندگی فرماندهان و سربازان اسلام، از آن ها دستگیری کرده است.

یکی از رزمندگان تفحص شهدا چنین نقل می کند: آن روز کم کم آثار یاس و ناامیدی در چهره تک تک بچه های گروه تفحص نمایان شد و دیگر با اینکه خیلی زحمت کشیده بودیم، مأیوس شدیم. اتفاقاً همان روز، ولادت حضرت مهدی (عج) بود. در حال ناامیدی از ایشان کمک خواستیم. نزدیک ظهر بود که در قسمتی از بیابان بی آب و علف، شقایقی نظرم را جلب کرد. رفتم که شقایق را از ریشه در آورم، متوجه شدم که چیزی در زیر خاک وجود دارد. خاک را کنار زدم، دیدم ریشه شقایق از جمجمه شهیدی رویده است. بعد از تحقیقات شناسایی هویت شهید، متوجه شدیم که اسم او «مهدی منتظر قائم» است.^[۱۳]

پس به جاست همان گونه که برادران یوسف در سختی و گرفتاری خود، دست به دامن یوسف شدند و از او مدد طلبیدند، ما نیز در مشکلاتمان اینگونه با آقا و مولای خود نجوا کنیم: «يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَّا الضُّرَّ وَ جِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُرْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ^[۱۴]؛ ای عزیز! ما و خاندان ما را ناراحتی فرا گرفته و متاع کمی (برای خرید مواد غذایی) با خود آورده ایم، پیمانۀ را برای ما کامل کن و بر ما تصدق و بخشش نما، که خداوند بخشنده گان را پاداش می دهد!»

۳۰. دعا برای دوستداران خود

امام زمان (عج) همواره، بر دوستداران و شیعیان دعا می‌کند. صاحب مکمال المکارم در اثبات این مدعا، چنین می‌گوید: «چون مقتضای شکر احسان، همین است و دلیل بر آن، فرمایش مولی صاحب‌الزمان (عج) در دعایی است که در مهج الدعوات می‌باشد: «و کسانی که برای یاری دین تو، از من پیروی می‌کنند، نیرومند کن و آنان را جهادگر در راه خودت قرار ده و بر بدخواهان من و ایشان، پیروشان گردان» [۱۵]

از سید بن طاووس (ره) نقل شده: من، شب چهارشنبه سیزدهم ذی‌القعده سال ۶۳۸ قمری در «سر من رأی» در سرداب مطهر بودم، در هنگام سحر، آوای دل‌نشین امام زمان (عج) را شنیدم که این چنین مناجات می‌کرد: «خدایا شیعیان ما را از شعاع نور ما و طینت ما خلق کرده‌ای، آن‌ها گناهان زیادی به اتکا بر محبت و ولایت ما کرده‌اند، اگر گناهان آن‌ها گناهی است که در ارتباط با توست، از آن‌ها در گذر که ما را راضی کرده‌ای و آنچه از گناهان آن‌ها در ارتباط با خودشان و مردم است، خودت بین آن‌ها را اصلاح کن و از خمسی که به حق ماست، به آن‌ها بده تا راضی شوند و آن‌ها را از آتش جهنم نجات بده و آن‌ها را با دشمنان ما در سخط خود جمع نفرما.» [۱۶]

آری امام زمان (عج) برای دوستداران و شیعیان واقعی به ویژه افرادی که در حق آن حضرت و برای ظهور وی دست به دعا بردارند، دعا می‌کنند و این سیره اهل بیت (علیهم السلام) نیز بوده است.

قطب راوندی، در خرایج آورده که: شخصی به نام عبدالرحمن، مقیم اصفهان شیعه بود. از او پرسیدند: «چرا به امامت حضرت علی النقی هادی (ع) معتقد شدی؟» گفت: چیزی دیدم که موجب شد من این چنین معتقد شوم. من مردی فقیر، ولی زباندار و پر جرأت بودم. در یکی از سال‌ها، اهل اصفهان مرا با جمعی دیگر برای شکایت به دربار متوکل بردند، در حالی که بر آن دربار بودیم دستوری از سوی او بیرون آمد که علی بن محمد بن الرضا (ع) احضار شود. به یکی از حاضران گفتم: «این مرد کیست که دستور احضارش داده شده؟» گفت: «او، مردی علوی است که رافضیان، معتقد به امامتش هستند.»

سپس گفت: «چنین می‌دانم که متوکل، او را برای کشتن احضار می‌کند.» گفتم: «از اینجا نمی‌روم تا این مرد را ببینم چگونه شخصی است؟» گوید: «آنگاه او، سوار بر اسب آمد و مردم از سمت راست و چپ راه، در دو صف ایستاده به او نگاه می‌کردند. هنگامی که او را دیدم، محبتش در دلم افتاد. دست به دعا شدم و در دل از خدا خواستم تا شر متوکل را از او دفع کند. او در بین مردم پیش می‌آمد و به کاکل اسبش نگاه می‌کرد و به چپ و راست نظر نمی‌افکند، من در دل پیوسته برایش دعا می‌کردم. هنگامی که کنارم رسید، صورتش را به سویم گردانید. آنگاه فرمود: «خداوند، دعایت را مستجاب کند و عمرت را طولانی و مال و فرزندان را زیاد نماید!»

از هیبت او، بر خود لرزیدم و در میان رفقایم افتادم. پرسیدند: «چه شد؟» گفتم: «خیر است» و به هیچ کسی چیزی نگفتم.

پس از این ماجرا، به اصفهان برگشتیم. خداوند، به برکت دعای او، راه‌هایی از مال بر من گشود، به طوری که امروز، من، تنها، هزار درهم ثروت در خانه دارم، غیر از مالی که خارج از خانه، ملک من است و ده فرزند دارا شدم و هفتاد و چند سال از عمرم می‌گذرد. من، به امامت این شخص معتقدم که آنچه در دلم بود، دانست و خداوند، دعایش را درباره‌ام مستجاب کرد.»^[۱۷]

پس هر کسی برای امام زمانش دعا کند، امام مهربانی‌ها نیز برای او دعا می‌کند و نه تنها برای او دعا می‌کند و طلب حاجت دارند؛ بلکه بر دعا‌های او نیز آمین می‌گویند و زمینه استجاب آن‌ها را فراهم می‌کنند.

امیرالمؤمنین علی (ع) خطاب به شخصی به نام زُمَیله می‌فرماید: «ای زمیله! هیچ مؤمنی نیست که بیمار شود، مگر اینکه به مرض او مریض می‌شویم و اندوهگین نشود مؤمنی، مگر اینکه به خاطر اندوه او، اندوهگین گردیم و دعایی نکند مگر اینکه برای او آمین گوئیم و ساکت نماند مگر اینکه برایش دعا کنیم.»^[۱۸]

دلم دوباره بین که شده پریشان
عزیز فاطمه، ای جان من به قربانت
اگر چه لایق احسان تو نبودم من
همیشه شامل من بوده است احسانت

۳. دفع بلا از دوستان و شیعیان

وجود و حضور حجت خدا در روی زمین به عنوان خلیفه خدا و انسان کامل، برکات فراوانی دارد. یکی از ثمرات مهم حضور فیزیکی و معنوی آنان این است که خداوند به واسطه ایشان، بلا را از اهل زمین دفع می‌نمایند. این مطلب در قرآن و روایات اسلامی مورد تأکید قرار گرفته است. قرآن کریم درباره حضرت خاتم الانبیاء (ص) می‌فرماید: «مَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ»^[۱۹]؛ (ای پیامبر!) تا تو در میان آن‌ها هستی، خداوند آن‌ها را مجازات نخواهد کرد و (نیز) تا استغفار می‌کنند، خدا عذابشان نمی‌کند.

حضرت حجت (عج) در روایتی می‌فرماید: «أَنَا خَاتَمُ الْأَوْصِيَاءِ وَبِي يَدْفَعُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْبَلَاءَ عَنِ أَهْلِي وَشِيعَتِي»^[۲۰]؛ من، آخرین وصی هستم و خداوند، به واسطه من بلا را از اهل و شیعیان من دور می‌سازد.

مرحوم آیت‌الله شیخ اسماعیل نمازی شاهرودی (ره) از سلسله سعادت‌مندان و زمره نیکبختانی است که در سفر بیت‌الله پس از حادثه‌ای هولناک به همراه جمعی از حاجیان و زائران خانه خدا، موفق به دیدار جمال دلربای حضرت بقیه‌الله - ارواحنا فداه - می‌شود.

حادثه از آنجا آغاز می‌شود که با اشتباه و غرور و حرف نشنوی یکی از رانندگان به نام «اصغر آقا» اتوبوس حامل حجاج در برهوت و بیابان‌های عربستان راه را گم می‌کند و پس از پیمودن مسافتی طولانی راه به جایی نمی‌برند. در

این هنگام آب آشامیدنی و بنزین نیز به پایان رسیده و سرانجام حاجیان ناامیدانه دل بر مرگ می‌نهند. به درخواست آیت‌الله نمازی، توسلی به آستان فریادرس بیچارگان، امام زمان (ع) جسته می‌شود و این توسل و توجه کارساز می‌افتد و عنایت امام عصر (ع) از آنان دستگیری می‌نماید و حاجیان نیم‌روز با حضرت بقیه‌الله (ع) همسفر می‌شوند.

دیدار یار غائب دانی چه ذوق دارد
ابری که در بیابان بر تشنه‌ای بیارد

آیت‌الله نمازی، انگیزه خود از نقل این تشرّف را شادی دل مؤمنان مشتاق به دیدار امام عصر (ع) بیان داشته و می‌فرماید: «این تشرّف را برای تذکر و عمل به آیه «وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ» [۲۱] نقل می‌کنم و امیدوارم که این تذکر، مؤثر واقع شود و قلوب مؤمنان با استماع این حکایت، از محبت به حضرت بقیه‌الله سرشار گردد. این حقیر ناقابل مورد مرحمت حضرت حق واقع شدم و خداوند سعادت تشرّف به محضر حضرت مهدی (ع) را نصیبم کرد و حدود نصف روز در خدمت آن حضرت بودیم و پس از اینکه غایب شدند، دانستیم که ایشان، حضرت بقیه‌الله - ارواحنا فداه - بوده‌اند» [۲۲]

گرت هواست که معشوق نگسلد پیوند
نگاه دار سر رشته تا نگه دارد

[۱]. روش ابهام در موضوع.

[۲]. کافی، ج ۱، ص ۲۰۰.

[۳]. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۱.

[۴]. در محضر بهجت (ره)، ۳۶۶/۲.

[۵]. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵.

[۶]. دلائل الامامه، ص ۲۸۲.

[۷]. الغیبه للنعمانی، ص ۱۶۴.

[۸]. ابو عبدالله خوارزمی.

[۹]. صهبای معرفت، ص ۸۱۴.

- [١٠]. بصائر الدرجات، ج ١، ص ٢٦٠.
- [١١]. بحار الانوار، ج ٦٥، ص ١٦٨.
- [١٢]. عراقى.
- [١٣]. امام زمان و شهداء، ص ١١٠.
- [١٤]. يوسف/٨٨.
- [١٥]. مهج الدعوات، ص ٣٠٢.
- [١٦]. مهج الدعوات و منهج العبادات، ص ٢٩٥.
- [١٧]. كتاب آيين انتظار (خلاصه مكياى المكارم)، ص ١٣٥.
- [١٨]. ارشاد القلوب، ج ٢، ص ٢٨٢.
- [١٩]. انفال/٣٣.
- [٢٠]. كمال الدين و تمام النعمه، ج ٢، ص ٤٤١.
- [٢١]. ذاريات/٥٥.
- [٢٢]. مكياى المكارم، ج ١، ص ٣٣٢ - ٣٣٥.